

با نماز به یاران و همazorان امروز پنجم فروردین هست و در سال نو به شمارش ما که ۵۵۰ پیش از زایش ایشو میگیریم یعنی سالی که کوروش بزرگ دو تیره ماد و پارس را یکی کرد و پادشاه سراسر ایران شهر شد. آن را ما بن گرفتیم و میشود سال ۲۵۷۷ فکر میکنم. و بله یاران بگویند که آیا بانگ و فرتور خوب هست؟ بله خدای ارداویراز میگویند که همه چی خوب هست. بله فردا نیز نوروز بزرگ هست و آنگونه که در سنت از آن یاد شده است زادروز اشوزرتشت نیز در روز خرداد ماه فروردین هست. این یک روز مثالی هستش اهمیتش مثالی و سنتی هستش و چون اشوزرتشت در سنت آریاییان ایزد هست. یعنی تنها کسی هستش اشوزرتشت که در اوستا از او ذیل مفهوم ایزد یاد شده است. این را باید دانست و برای اشوزرتشت در جستجوی تاریخ های زمینی نگشت چون این در حقیقت دشمنی با سنت هست. اشوزرتشت کسی هست که اهورامزدا فروهرش را در آغاز هستی همکار خود کرده هست یعنی ما اشوزرتشت را از آغاز پیدایش جهان در کار یزدانی میبینیم. میبینیم که با اهورامزدا همزور هست فروهر اشوزرتشت. و همزمان میبینیم که حضورش بر روی زمین در میانه زمان هستش و میاید بر روی زمین کاری را که با کیومرث آغاز شده است یعنی اون پیمان الست اون پیمان نخستینی که بسته شده است و کیومرث با عنوان او نیز به عنوان یک ایزدی هست، بار گران هستی را بردوش گرفته است میرسد به کیومرث و بعد از تخمه کیومرث نیز اشوزرتشت هستش در بعد و حیات زمینش پیامبری او را داریم و باز نیز در پایان جهان میبینیم که اشوزرتشت در هیئت سه فرزند خود اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت بار دیگر زمان را به پایان میرد به این ترتیب اشوزرتشت در آغاز، در میانه و در پایان جهان بزرگترین همکار اهورامزدا و دیگر بغان هست. هم از این رو او را زایش او را نیز سنت در همان روز مثالی و مهمترین روز تاریخ ما که ششم فروردین هست گرفتن و این را تکان نباید داد. بله امید که دوستان اجازه بدهید بنده این برنامه را بر روی برگه خود بگذارم دوستان نیز در آنجایی که بایسته و شایسته میدانند پخش بکنند تا در این درنگی رو که در کنار یاران هستیم تا جای شدنی کسانی که علاقه مند هستند بتوانند دنبال بکنند. بله بله در صفحه های گوناگون هر چقدر حضور آریاییان بیشتر باشد مسلما به زیان دشمنان ایران شهر هست. همazorان هیچوقت خسته نشند هماره در کوشش باشند هماره در کوشش باشند هماره در تلاش باشند چون دشمن بیکار ننشسته است و آریاییان نیز نباید اجازه بدهند که به خاطر انبوه و شمارش زیادی را که دشمن از آن برخوردار هست خدایی ناکرده بخواهند نامید بشوند یا خسته بشوند از مبارزه هرگز نباید اینگونه باشد کلا یک آریایی هماره در چشم دیوها می نگرد و پیکار میکند رزم و پیکار بخش مهمی از هستی یک آریایی هست چه زن و چه مرد باید هماره خود را به مثابه یک سرباز به مثابه یک اسوار دید و در هر جا که هست انسان باید بتواند مبارزه بکند با بدی به ویژه ما ایرانیان که یک ماموریت تمدنی داریم و نامبردار، نامبردار یعنی میراثبر، و نامبرداران ابر روشن یا سنت بسیار کهنی هستیم که از نیاکان به ما رسیده است و امروز نیز در دوره ای به سر میبریم که به نوعی یک دوره پایانی هست و ما میبینیم که بازیابی امر کهن آریایی بازیابی سنت زرتشت و کوروش مصادف شده است با فروپاشی سنت ابراهیمی حال میخواد سنت جهودی باشد سنت مسیحی باشد سنت اسلامی باشد یا بهائیت و امثالهم. داریم میبینیم که تمام اینها دست در دست یکدیگر دارن غرق میشوند و این دست و پا زدن هایی که میکنن این جیغ هایی که میکشند اینها جیغ های مرگ سنت ابراهیمی هست. می بینیم که دموکراسی ها یکی پس از دیگری دارند تبدیل میشوند به فیلد استیت یعنی ما وقتی در اروپا نگاه میکنیم میبینیم که اروپا تقریبا قاره ای هستش که زمینگیر شده است. وقتی رهبر معنوی اروپا را نگاه میکنیم که امریکا باشد و هم رهبر نظامی اش میبینیم که امریکا در محسمه بسیار بزرگی گرفتار هست و سیاست مداران امریکا خود خود را دارند ویران میکنند. در یک اتوماتیسم خود ویرانگر گیر کردند بدهکاری این کشور هر روز دارد بیشتر میشود موجوداتی که بر روی صحنه می آیند و با صرف صدها

میلیارد دلار اینها را تحمیل میکنند به امریکا و به جهان موجوداتی هستند هم از روزن اخلاقی هم از روزن سیاسی هم از هر روزن که بنگریم موجوداتی واپس مانده هستند. موجوداتی انگره منش به معنی اخص کلمه انگره منش یعنی دارای مینوی کاهنده هستی و این به هر حال شرایط طوری هست که حتی خود این کسان به صدا در آمدن چند هفته پیش اشاره کردیم مردانی چون سرکوزی به صدا در آمدن که دموکراسی دیگر پاسخگو نیست و با دموکراسی نمیشود زندگی کرد که دیدیم خیلی هم زود گرفتنش و البته حقش هست آن خیانتی که به قضافی کرد. این شرایط هست این شرایط طوری هستش که آریایان هر روز باید با لبخند پیروزی از بستر بر بخیزند. زمان به سود ماست زمان به سود آریایان هست زمان به سود بادهایی که میوزند بادهای بهشتیست بادهای گروثمانیست و این دوزخیان و دیوها و دشمنان جهان ایرانشهری هستند که هر روز دارند تکیده تر میشوند هر روز دارند ناتوان تر میشوند و خب مسلما جای خوشبختی هستش که در یک همچین مختصات زمانی نیرویی چون بازیابی ایرانشهری وجود دارد که بتواند هدایت بکند بتواند راه را نشان بدهد و مبارزینی که در این چهارچوب قرار می گیرند بتوانند خود را تنظیم بکنند و به اصطلاح قطبی وجود داشته باشد که بر اساس این قطب نما بر اساس یا به پارسی می گویم میخ بر اساس این میخ بتوانند نوع مسیر خود را تعیین بکنند و اینور آنور نزنند و به بیراه نرنند و از سوی نیروهای دشمن که هر روز رنگ دیگر می کنند قاپیده نشوند. آخرین نمونه اش را ما دیدیم که در میان نیروهای ایرانی نما همین جریان صهیونیست های ایرانی بود که مجبور شدند حجاب فرو بیفکنند و دست خود را رو بکنند که بگویند دیگر علنا بگویند که اسرائیلی هستند. خب اگر ما نبودیم اگر بازیابی ایرانشهری در جای خود نایستاده بود شکی نداشته باشید که اینها قسمت اعظم نیروهای آریایی را قاپیده بودند بلعیده بودند و امروز هیچ کس دیگر وجود نداشت و اینها می توانستند این ضربه هولناک را به نیروهای آریایی بزنند. حداقل برای یک دهه یا دو دهه دیگر هیچ برگی نمی روید خب خوشبختانه این گونه نشد بازیابی ایرانشهری توانست مقاومت بکند و یک سری دیگر از نیروهای همراه نیز نجات پیدا کردند. به برنامه امروز پردازیم و آنچه که دادستان سخن ماست. در امروز دو دادستان را برگزیده ایم برای امروز یک مرگ داریوش شایگان متفکر ارشد فتنه مشترک خمینی و فرح. دومین دادستان گزینش جان بلتون هست که بدان خواهیم پرداخت. نخست درباره داریوش شایگان. داریوش شایگان یکی از سرکرده های فراماسونی در ایران بود او مردی بود که چون بسیاری از سرمایه های صهیونیسم جهانی در یک مدرسه ژزوئیتی پرورده شده بود. در مدرسه سندلویی که در برابرش در کنارش مدرسه دخترانه ژاندارک رو ما داشتیم که در آنجا نیز همون سرمایه های صهیونیسم در اونجا پرورده میشن. استها این ها لزوما نمیشود واژه جاسوس به عنوان مثلا چون یک نیروی کاگ ب ای از آن بهره برد مثلا همانگونه که فرضا فردوس بود. این ها نیز هستند پرورش پیدا میکنند اما سیستمی که در این مدرسه های ژزوئیتی کار میشه و ژزوئیت یک شاخه ای از مسیحیت هستش که مستقیما از دل جهودیت میاد و در حقیقت جهودهای آنوسی هستند و امروز برای نمونه کل واتیکان را این ژزوئیت ها از آن خود کردند و سیستمی که کار میکنند در کشورهای گوناگون مدرسه هایی دایر میکنند و این به اصطلاح مادر روحانی ها و پدر روحانی های خود را میفرستند آنجا برای آموزش مثلا زبان فرانسوی زبان انگلیسی و اینگونه در آنجا نیروهای آن سرزمین ها را میقاپند اینا را تربیت میکنند اینا را وابسته معنوی میکنند به همان نظام صهیونیسم جهانی فراماسونی و هر کسی را به نوعی و اینها را میپرورند و اینها خب رشد میکنند بزرگ میشند میروند در داخل دیوان سالاری برخی نیز شانس میارند و بخت به اینا یاری میکند البته یک مقدار مهندسی توی کار بود مانند فرح که میشود ملکه ی ایران یکی دیگر مانند فرخرو پارسا میشود وزیر یکی دیگر مانند مریم فیروز خب او از خاندان فرمان فرما که به قول خود انگلیسی ها این همه نوکر اینها در ایران داشتند منتها فقط فرمان فرما را میگفتند یک انگلیسی

خوب است. از آن خاندان هستش که وصلت میکند با کیانوری که او نیز از خاندان نوری هستش و اینها به اصطلاح بخش حزب توده رو به عهده میگیرند فرح از همین بخش هستش میاید در داخل این دستگاه. فرخرو پارسا میرود فرضا وزیر میشود این داریوش شایگان یک کار دیگری رو به عهده میگیرد و از اینها بسیار هستند این مدرسه ها در حقیقت مدرسه درست کردن کارخانه ی تولید انسان های وابسته به صهیونیسم هستش که کلا مکتب فکریشون احساساتشان خاطرات کودکیشان همه چیز با این فراماسونی گره خورده است و در همانجا نیز پیمان های دوستی را میندند پیمان های اخوت برادری خواهری را میندند و همواره به یکدیگر کمک میکنند خب مردی چون سید حسن نصر نیز از این جنم بود خودش در گفتگوهاش رسماً اعلام کرده است که پدرش فراماسون بوده است و خاندانش که آیت الله بهبهانی باشند نیز او نیز فراماسون بوده است. البته انکار میکنه که خود فراماسون باشد میگوید من از فراماسونی خوش هم نمیامد البته میدانیم که یاوه ای بیش نیست فرای فراماسونی مامور رسمی سی آی ای نیز بود سید حسن نصر و این شبکه ای که ما امروز میخواهیم از آن سخن بگوییم در انجمن سلطنتی فلسفه اینها کار میکردند چون همیشه از دهه چهل به بعد تمام راه های خیالت به فرح ختم میشود و فرح در آنجا آن شبکه را هدایت میکند راهنمایی میکند اینها را گرد هم میآورد و داریوش شایگان، حداد عادل، رضا داوری اردکانی، مرتضی مطهری که در زمان شاه مامور سانسور و ممیزی نیز بود. جالب است گفته شود در اینجا که در گفتگویی که سیت حسن نصر انجام می دهد می گوید این مطهری بود که به او فشار آورد و از او خواست که برود و ریاست دفتر فرح را قبول بکند و گویا خود فرح با مرتضی مطهری تماس می گیرد که سید حسن نصر را قانع بکند که بیاید و رئیس دفتر او بشود. باید درک بکنید که این ارتباطات چقدر ژرف هستند و چقدر پیچیده و چه نقش پلیدانه و جادوگرانه فرح در این مناسبات همواره بازی کرده است و تا امروز نیز بازی می کند. داریوش شایگان یک عضوی از این حلقه عظیم هست او توانست به فرای انجمن سلطنتی فلسفه در بنیاد فرح که برای گفتگوهای تمدن ها آن را دایر کرده بودند در آنجا نیز وارد بشود و به مدیر عاملی آنجا نیز نائل شد و کلا در همان دستگاه دارای مقام خیلی مهمی بود و اینها یکی از خویشکاری هایی که فرضا در انجمن سلطنتی فلسفه داشتند که رئیس تمامی اینها جاسوسی بود به نام هانداری کربن نظام فکری جامعه را طوری تنظیم کردند که برود به سمت اسلام انقلابی و آماده بکنند شرایط را آماده بکنند دانشگاه ها را آماده بکنند به عنوان یک به اصطلاح سر هرم فکری ایران بودند که دانشگاه ها از سوی اینها به اصطلاح تغذیه میشدند آن مهدی محقق هستش که بعدها هم در کانادا شروع کرد کار کردن و یک فراماسون ژاپنی به نام ایزوتسو بود او نیز در انجمن سلطنتی فلسفه را آوردند و اینها همه دست به دست یک دیگر دادند یک چیزی را جلع کردن، فردید بود مرد به غایت بیسوادی که تقریباً یکی دو دهه سه دهه حیات فکری جامعه ایرانی را مسموم کرد و شاگردانی پرورد چون آرامش دوستار چون داریوش آشوری یا هم اینها بخش بزرگشون اینها شاگردان فردید نیز بودند و یک کلا جانور عجیب غریبی بود آن مرد و جانوران بسیار نیز پرورد که فصل مشترکشان انکار ایران انکار ایران شهر بود و کلا بیپرنسیبی فکری و بیپرنسیبی اخلاقی را اینها توانستند نهادینه بکنند که باز نیز فرح در اینجا دارای یک گرانیگاه دارای یک نقش مرکزی بود. این اتفاقاتی بود که بخواهیم خیلی کلان نگاه بکنیم اینها خطوط اصلی این جریان هستند که بعد از پیروزی فتنه مشترک خمینی و فرح نیز این داستان ادامه پیدا کرد ما میبینیم مردی چون حداد عادل مستقیم از دفتر فرح میرود به دامن نظام و میشود پدر یعنی دختر حداد عادل عروس خامنه ای هست خب رضا داوری اردکانی که در همون دستگاه میماند تو این فرهنگستان و انجمن فلسفه بازم ادامه میدهند داریوش شایگان بعد از مدتی او را باز میگردانند به ایران سید حسین نصر و فرح او را دوباره میفرستند ایران میرود کاملاً در چهارچوب قرار میگیرد با اون کامران فانی و اون توریج اتحادیه اینها نیز همگی فراماسون هستند. اون

نشر فرزانه را احداث ميکنند با اون رامين جهان بگلو که به اصطلاح هم از طرف مادري توده اي هستش و هم از طرف پدری که او نيز جهان بگلو همان جهان بگلو کسيست که در خانه او اين محافل شکل ميگيرد. کاملاً اينها ميشينند دور هم در خانه جهان بگلو و به اصطلاح مهماندار اينها هستش آدم مهمی نيست ولی هميشه تو اين محافل يک نفر هستش که به اصطلاح آبدارچی هست و جهان بگلو نقش آبدارچی را دارد و اينها را گرد هم می آورد اينها در فضاي پس از انقلاب نيز اينها آمدند و فضاي فکري جامعه را بخش مهمی را از آن خود کردند. يک سریشان نيز که در سطح پايينتری هستند چون مراد فرهادپور، چون بابک احمدي، چون يوسف ابازري اينها بخش به اصطلاح بيشتر چپگرا را از آن خود کردند اون ايزوتسو آدم مهمی بود تو اينها به اصطلاح توليدات فکري زيادی داشت يه مکتب جعلی درست کردند به نام مکتب خالده که همه اينها برگرفته از سنت آريایی هستش اما سروتش کردند، وارونش کردند يک آدمی را ايناً درست کردند به نام بابک عاليخانی که آمده است پهلوی هم درس ميدهد، پارسيگک درس ميدهد و او امروز به اصطلاح يکی از بلندگوهای همين مکتب خالده يا فيلوزوفيا پرنيس هستش و نظرشان هم نيز اين هستش که به اصطلاح قرآن ادامه منطقی اوستا هست يعنی همچين موجودات پلیدی هستند اينها و دستگاه فکري جامعه را همانگونه که پيش از انقلاب مسموم کردند پس از انقلاب نيز مسموم کردند. فرديد که از دستپرورده های اين سنت هستش يک شبه اعلام کرد که فريکاني از محمدرضا شاه به خميني انتقال پيدا کرده است. برای اين که بتوانيم درک بکنيم که چه برنامه دوزخی فرح و اطرافيانش و حلقه بزرگی که فرح نمايندگی ميکرد چه برنامه پلیدی داشتند بايد به يکی از سخنان همين داريوش شايگان نگاه بکنيم که در چهارم اکتبر ۱۹۷۸ يعنی ۲۲ مهر ۱۳۵۷ يعنی پنج شش ماه قبل از پيروزی اين فتنه با يه هفته نامه به نام نوول ليتاغ صحبت ميکنه و در آنجا اعلام ميکنه که آيت الله خميني يک گاندي اسلامي هست او ميگويد نقل قول ميکنيم ميگويد دستيافتن به دموکراسی برای کشوری که سنت دموکراتيک در آن وجود ندارد کار دشواری هست اما ايرانيان آماده آموختن هستند آيت الله خميني يک گاندي اسلامي هست اين محور جنبش ماست. اين را جنبش مال خودش ميداند در زماني که هنوز دارد حقوق محمد رضا شاه را ميگيرد. و بزرگترين دستاورد سرنگونی رژيم شمرده خواهد شد. يعنی اين ها پنج شش ماه قبل از اين داستان بزرگترين دستاورد خميني را و برنامه خود را سرنگونی رژيم ميداند. ما ميدانيم که اين ها يک اعلاميه را فراهم کرده بودند. اين رو دوست گرامي بنده دکتر رهام اشه به من گفت امروز صحبت ميکرديم با هم و پنجاه شصت نفر از اين ها مانند خود شايگان و ديگران از حدود يک سال قبل از انقلاب يک اعلاميه بزرگی را فراهم کرده بودند و به اصطلاح پايان نظام پادشاهی را اعلام کرده بودند و آغاز دوران خميني را و به اصطلاح گذار به يک جهان اسلامي. البته اين را چاپ نکرده بودند اما آماده کرده بودند در يک لحظه مشخصی هم که به اصطلاح اين انقلابيان ميريزند که دفتر اين ها را جمع بکنند اين شايگان نامه را در می آورد و اعلام می کند که ما با شما هستيم و به اصطلاح جلوی اين شورشيان که نمی دانند اصولاً موضوع چيست توی خيابان بودند می گيرد. اين برنامه ای بود که اين ها داشتند و بنا بر اين اتفاقاتی که در ارتش می افتد و ارتش را خنثی می کند و فرح جلوگيري می کند از آمدن اوويسی شريف امامی را اين ها حقنه می کنند که يکی از فراماسون های بزرگ بود تمام اين ها بخش های مختلف پازل هستند اين ها يک اتفاق نبود يک برنامه بود که از دراز مدت چيده شده بود. اتحاد حوزه و دانشگاه سال ها بود که اتفاق افتاده بود و هر کدوم از اين ها وظائف خود را داشتند که به هر حال آدم های مثل سيدحسن نصر مرتضی مطهری و داريوش شايگان اين ها نقش کلیدی بازی کردند در پس از پيروزی نيز اين ها شايگان آمد رفت و در کنار خاتمی قرار گرفت مجالس خیلی مهمی را در ايران برای اين آخوند ها انجام می داد البته شايگان دارای يک ويژگی های خاصی هم بود چون مرد ژيگولویی بود و پرانسيپ های اخلاقی هم اصولاً رعايت نمی

کرد و آمد بعد از اینکه با اون گلی ترقی به هم زد آمد رفت و آن دختر ابراهیم گلستان اون لیلی گلستان را قر زد و در آنجا یک برنامه هایی داشتند ارگه میذاشتند برای این آخوند ها و سرگرم می کردند یعنی دارای این ویژگی ها هم بود این داریوش شایگان و می دانیم که یکی از معشوقه هاش نیز زن خود سید حسین نصر بود که البته سید حسین نصر بعدا به او بخشید این دلگی را بله این ها یک همچین موجوداتی هستند. اما آن چیزی که برای ما مهمتر هستش نشان دادن این واقعیت هست که اهمیت شایگان به خاطر هجویاتی که از خود تولید کرده هست و کلا سروته ندارد حرفای او نیستش اهمیت شایگان به خاطر ایجاد شبکه هستش و وصل کردن شاخه های مختلف خیانت به یک دیگر. ما برای اینکه تشخیص بدهیم چقدر این آدم در جایگاهی که بوده است برای فراماسونی اهمیت داشته است باید چند تا تسلیت نامه را مطالعه بکنیم یکی هستش که تسلیت نامه نیست قبل از مرگش هستش و از طرف علی لاریجانی رئیس مجلس فعلی می دانیم که یکی از خاندان های بزرگ فراماسونی در ایران هستند لاریجانی ها جهودهای عراقی هستند و دارای جایگاه ویژه ای هستند کلا بسیار بسیار مهم هستند و علی لاریجانی می دانیم که نماینده پان عربیسم در ایران هستش و یکی از دشمنان سوگند خورده ایرانیان. وقتی که داریوش شایگان سخته می کند و او را بستری می کنند، خبر را می خوانیم تا دوستان متوجه بشوند، خبر این است: عیادت تیر عیادت نمایندگان رئیس مجلس از دکتر داریوش شایگان. نمایندگانی از طرف علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی از داریوش شایگان فیلسوف، اندیشمند معاصر و از مفاخر فرهنگی کشور ما عیادت کردند. به گزارش خانه ملت یعنی خبرگزاری کلا ارگان خبری خانه ملت یا همون مجلس، این هیئت با حضور در یکی از بیمارستان های تهران که دکتر شایگان به دلیل عارضه سخته مغزی در آن بستری است از این متفکر نامدار عیادت کردند. شما باید در نظر بگیرید وقتی که مردی در فرمات و در ابعاد علی لاریجانی یک هیئتی را می فرستد که از این دیو پلید عیادت بکنند این نشاندهنده ی ژرفنای دوزخی بودن این مرد هستش. بنابراین این یک نشانه بسیار بسیار فرای تمام آن چیزی که گفتیم این برای کسانی که به امر وارد نیستند فکر می کنیم بسنده افتد علی لاریجانی یک از ستونهای ویران کردن کلا خاندان لاریجانی یکی از ستونهای خیمه صهیونیسم شیعه هستند و از برجستگان جهان فراماسونی هستند. ما فراماسون های بزرگی داریم در ایران بعد از انقلاب که اینها در حقیقت یکی از دستاورد های این انقلاب قدرت مطلقه فراماسونی هستش. اگر تا قبل از انقلاب هنوز سوراخ هایی بود که آریایان آنها را مثل خود شاه که به هر حال فراماسون نبود، این ها حضور داشتند در بعد از انقلاب تمامی شغل های کلیدی کشور به دست فراماسون ها افتاد از خود خمینی که یکی از فراماسون های بزرگ بود بگیریم تا واعظ طبسی تا محمد یزدی این ها همگی فراماسون های به نام هستند. یکی دیگر از این فراماسون ها مهدی محقق هستش مصطفی محقق داماد هست و آدم بسیار بسیار مهمی هستش آدم بسیار بسیار بانفوذی هستش و کلا شبکه ای رو که این مرد نمایندگی می کند و اداره می کند شبکه بسیار بسیار بانفوذی است. اون نیز زمانی که داریوش شایگان سخته می کند به طور رسمی از کل ملت ایران خواهش می کند که برای این دیو پلید آفرین خوانی بکنند دعا بکنند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران اینا آیت الله دکتر محقق داماد درباره وضعیت بیماری و شفای دکتر شایگان فیلسوف برجسته ایرانی پیامی را صادر کرد. رب انی مسنی الظار و انت ارحم الراحمین. ملت شریف ایران جناب داریوش شایگان بغیت السلف از حلقه حکمیه حکیم و مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبایی و پروفیسور کربن چند روز است که به علت سخته مغزی در بیمارستان بستری است. هرچند طبیبان شریف، دلسوز و فرهنگ دوست کشورمان با کمال تعهد، نهایت تلاش و توان خود را برای علاج این مرد بزرگ مصروف داشته و می دارند ولی به حکم کریمه شریفه و اذا مرضت و وهو و یشفین شفای بیماران مستقیم از ناحیه حق متعال است. اینجانب از کلیه مومنین و مومنات یعنی مردان مومن و زنان مومن می خواهم که به

درگاه بی نیاز دست نیاز بردارند و شفای این عالم بزرگوار را ملتمس گردند. به یقین دعای همه موجب نزول برکات الهی است. سید مصطفی محقق داماد. این مصطفی محقق داماد باید بدانید که از خاندان هائری هستش. فرای خودشون که محققان از خاندان هائری هستش و هائری یکی از فراماسون های اعظم هست چون آن افغانی سید جمال اسدآبادی که بنیانگذار اخوان المسلمین هستش این هائری نیز بنیانگذار حوزه علمیه قم هست. هائری نیز از بنیانگذاران حوزه علمیه قم هستش و به اصطلاح از سوی دختر این مصطفی محقق داماد از تخمه و ترکه این ها هستش. یعنی کل دستگاه روحانیت شیعه رو شما وقتی در نظر بگیرید در ایران این ها کلیتشان فراماسون هستند و سنیا نیز همینطور اون اخوان المسلمین که عبود اینها که خامنه ای نیز به آنها وصل هستش و خیلی از متون این ها رو ترجمه کرده است، آنها نیز از یه طریق دیگه ای آنها لوژ مصر هستند لوژ رود نیل و لوژ های گوناگون که فرانسوی زبان انگلیسی زبان و به زبان های مختلف لوژ های مختلف بود. یکی دیگر از وابستگی های داریوش شایگان بودن در حلقه اتاق بازرگانی ایران انگلیس بود که رئیس این ها همون خاندان اتحادیه هستش که مستقیم زیر نظر لوژ روتشیلد قرار دارند و هدف مهم این ها یک از اهداف بزرگشان تبدیل کردن بانک مرکزی به یه دونه بانک خصوصی هستش که می دانیم ایران یکی از معدود کشورهایی هستش که هنوز بانک مرکزی بانک مرکزی است هنوز خصوصی نشده است. رفسنجانی نیز در درون اون اتاق بود و این عسکر اولادی این ها هم آمده اند و یک اتاق دیگر هم نیز دایر کردند. اتاق بازرگانی ایران و چین. کلا خاندان اتحادیه که خانه مهندسین ایران نیز کاملاً در دست این ها هستش و معماری ایران را ویران کردند یکی از مهمترین خاندان های فراماسونی در ایران هستند که یک شاخه شان نیز اون منصوره نظام مافی پراتز اتحادیه هستش که بازم از شاخه فرمان فرمایان هستش. اینها همانگونه که بار ها گفته ایم درک تاریخ معاصر ایران بدون توجه دقیق به شبکه های فراماسونی به فراموشخانه ها و به این موجوداتی که امروز به گرین کارتی معروف هستند غیرممکن است. تغییر تحولات تاریخ معاصر ایران همگی ذیلی هستش از فعالیت های شبکه های مخفی که برای مثال بهائیت فرضاً صرفاً یک شاخه از این حیات فراماسونی هستش. شاخه های گوناگونی دارند. کل برگزیدگان جهان چپ نهضت چپ همگی از درون این خاندان های فراماسونی آمدند به آن وصل هستند و تا امروز نیز به حیاتشان ادامه میدهند. ما توده ای های انگلیسی داریم توده ای های روسی داریم و توده ای های امریکایی داریم و یه سری توده ای های مسلمان نیز داریم. این ها شاخه های گوناگونی میشوند رنگ های گوناگونی میگیرند و تا زمانی که نیروهای آریایی این شبکه ها را درک نکنند روابطشون را تشخیص ندهند و آدم سازی هایی که می کنند متوجه نشوند نمی توانند با اینها مبارزه بکنند. یک کسی دیگری که برای این دیو پلید تسلیت نامه فرستاد پسرک رضا پهلوی بود که متن آن را نیز قرائت می کنیم که در حقیقت سخن فرح هستش که رئیس داریوش شایگان بود. پسرک رضا پهلوی می نویسد شایگان پیش از هر چیز ایرانی بود. این یکی از بزرگترین وقاحت هاست. شایگان پیش از هر چیز ایرانی بود به میهن خویش عشق ورزید مملکت خویش را سزاوار وضعیتی بهتر و مردم خویش را سزاوار تغییر شرایط خواست و رفت. شایگان فیلسوف بود. در دیرندگی سست بنیاد لحظه با خیام و با بودلر به نظاره مرگ و نامیرایی نشست. افقها را در هم آمیخت شرق و غرب جغرافیای ازلیت را درنوردید در ابدیت ناپایداری درنگی کرد. در بدایت بودن و در نهایت شدن سیر طریقت کرد و سرگردان شد و رفت. شایگان اهل تامل و اهل تعامل بود. سالک سپهر اندیشه داریوش ما مسافر قاره روح شد. حیران و شیدا فیلسوف ما جان به جانان سپرد و در پی حق شد. بهارانش در منظومه ارواح خجسته و یادش در کهکشان اندیشه همواره پاینده باد. این پسرک اصولاً این متن را نمیتواند بخواند دیگر چه برسد بخواهند بنویسد. یعنی کسی که این متن را این ادبیات را برای او نوشته است این نشان میدهد آدم واردی است و اهل بخیه است و از خود این دارو دسته هستش احتمالاً به

فرمان فرح این متن را نوشته اند. این سخن را ما گفتیم که روشنگری کرده باشیم ذهن جوانان آریایی را ذهن یاران ما در درون سپاه و ارتش را که اجازه ندهند از یک همچین موجود پلیدی که تمامی حیات فکریش صرف ویران کردن مفهوم ایرانشهر صرف به قدرت رساندن مافیای صهیونیسم بود گول نخورند گول این شخصیت سازی ها را نخورند. داریوش شایگان مردی بود به غایت بی سواد. یک سری کتاب هایی را لای کتاب هایی را باز میکرد و کتاب ساز بود. یکی از حرفه هاش آدمی بود کتاب ساز. چون ذهن مفهومی نداشت بلکه حافظه خوبی داشت و از این حافظه خوب بهره برداری میکرد برای وصل کردن چیزهایی که اصولاً به یک دیگر وصل شدنی نبود. البته ذهن ترجمه زده ذهن روشنفکری ایرانی چون ذهن استوار بر ترجمه هستش بیشینه ایشان این گونه هستند لیک داریوش شایگان در میان این روشنفکران که هیچ گونه اصالت فکری ندارند خیلی در هم ریخته بود. مردی بود چهل تیکه و چیزهایی که مینوشت اصولاً کسی هیچ گونه بهره برداری مثبتی نمیتواند از اینها بکند و صرفاً شاید نیز هدفش بوده است نمیدانیم صرفاً مایه سرگردانی و پریشانی ذهن است کتاب های او و در آخر نیز گویا یک نقل قولی ازش کردند که گفته بوده است ما گند زده ایم نسل ما گند زده است که البته اینها این اعتراف ها، اعتراف های سوری هستش و این نیز برای رد گم کردن هستش که باز خود را به اصطلاح یک تبرئه اخلاقی کرده باشند خود را در میان در نزد جوانانی که امروز بلند می شوند و می گویند رضا شاه روحش شاد. یعنی این شعاری که داده شد از سوی آریایان با مدیریت مستقیم آریایان مخفی در سپاه و ارتش میخی بود در تابوت صد و اندی سال روشنفکری میخی بود در تابوت فراماسونی و یک همچین شخصیت های پلیدی که داریوش شایگان از جنم آنان بود. و همانگونه که می بینیم از فرح دیبا و رضا پسرکش تا محقق مصطفی آیت الله مصطفی محقق داماد تا علیه لاریجانی تا شخصیت های گوناگون دیگر آن مصطفی ملکی که نام ایران می آید تنش کھیر می زند او نیز برای این دیو پلید پیام های ویژه ای داده است. تمامی دشمنان ایران تمامی فراماسون ها شاخه های مختلف فراماسونی همگی ابراز عشق کردند به این موجود پلید و خب این نشاندهنده این هستش که فرای وقتی یک مقدار آب ها آرام می شوند این ها همگی یک خانواده بزرگ هستند که در لحظات مشخصی در کنار یک دیگر قرار می گیرند. این بخش را با این آرزو که روان این مرد پلید تا بازگشت سوشیانت و روز رستاخیز در ژرفنای دوزخ در رنج بیاد به پایان می بریم. چون ما می دانیم که در سنت آریایی دوزخ پایان می آید و همه روان ها آزاد می شوند رها می شوند به سوی اورمزد باز می گردند. اما امیدواریم که این مرد فکر می کنیم که انقدر پلید بود که تا پایان زمان در دوزخ بماند و جزو آخرین کسانی باشد که رها می شود. بخش دوم و مهمتر برنامه دادستان برگزیده شدن یک مرد پلید و جنگجو و خوناشام به نام جان بولتون از جرگه نئوکان ها متعلق به دوران جورج دابلیو بوش هست. مردی هست جهود دارای دو تابعیت امریکایی و اسرائیلی اما یک صهیونیست بسیار متعصب و پیورس و از دستاوردهای او خب جنگ با اون بولفویت که اون نیز جهودی بود، نبرد عراق هستش حمله کردن بوش به عراق است یکی از دستاوردهای بزرگش هست. او حقوق بگیر رسمی سازمان مجاهدین خلق هست و از کسانی بود که توانست نام این گروه را از لیست تروریستی بردارد و یکی از رابط های اسرائیل با مجاهدین هستش که پرونده هایی رو که اسرائیل میخواد علیه ایران به کار ببرد این به مجاهدین انتقال میداد و مجاهدین اینها را به عنوان به اصطلاح دستاوردهای اطلاعاتی خودشان معرفی میکنند. هر ساله در همایش های مجاهدین شرکت میکند و لابیگری میکند برای اینها پول هنگفتی میگیرد و این امروز آمده است و شده است رئیس اتاق امنیت ترامپ نشنال سیکوریتی شد و جای مکمستر را گرفته است. خب اولین نفری که ترامپ آورد آن مایکل فلین بود که او آدم مشترک ترامپ و پوتین بود او لو رفت و با لو رفتن او برنامه ای را که ما همیشه نسبت با آن هشدار داده بودیم نیز کنسل شد. یک لحظه تامل بکنیم و یک توضیحی

بدهیم برای درک بهتر مسئله در امریکا دو جریان فکری بزرگ وجود دارد که دارای دو رویکرد هستند دو کمپ هستند. یک کمپ گلوبالیست های چپی هستند و یک کمپ گلوبالیست های دست راستی. گلوبالیست های دست چپی خاندان کلinton هستند سنت اوباما کلinton و اینها و اون کارتر اینها گلوبالیست های دست چپی بودند. اینها بر این باور هستند که بزرگترین دشمن و رقیب امریکا و کلا صهیونیسم برای رسیدن به آن حکومت جهانی روسیه هست و باید این روسیه هستش که باید مهار بشود و خنثی بشود تا این حکومت جهانی بتواند قوام پیدا بکند و اینها موفق بشوند. و یک دسته دیگر هستند که ترامپ اینها را نمایندگی می کند که اینها بر این باور هستند که بزرگترین رقیب و خطرناکترین رقیب چین است. این دوتا به اصطلاح در برابر یک دیگر صفکشی کردند. دلیل اینی که پوتین تمامی تلاش خود را کرد و از ابزاری چون آن پسرک ویکیلیکس از آن ویکیلیکس استفاده کرد برای زدن کلinton هیلاری کلinton مهمترین دلیلش همین بود. پوتین یک رئالیست است. دوتا از دخترهای خود را به صهیونیست ها داده است. کلا آن مدودف که در کنارش هستش اون از مادری جهود هستش صهیونیست هستش اما به هر حال یک زاویه هایی روسیه با اینها دارد و یک سدی هستش در برابر اینها و تمامی این ارفاق هایی که پوتین به اینها کرده بسنده نبودند. ما میدانیم که پوتین آمد در مجلس آلمان در بندستای آلمان سخنرانی کرد به زبان آلمانی و تمام تلاش خود را کرد که به اتحادیه اروپا نزدیک بشود. پوتین شخصیتی نبود که بخواهد روسیه را ببندد و پایه دشمنی را با غرب بگذارد بلکه برعکس تمام سعی و کوشش خود را کرد که در کمپ غرب قرار بگیرد و زیاد از حد به چین نزدیک نشود. این سیاست کلی پوتین بود اما اینها نمیخواهند. یعنی اینها کسانی که آن موقع در قدرت بودند کسانی بودند که اصولا باور نمیکردند و میگفتند که روسیه باید بیش از این متلاشی شود باید کوچک بشود کشور است بسیار بزرگ نیاز به این کشور بزرگ نیستش و باید کوچکتر بشود. این هدف آنها بود و تلاش های بسیاری نیز در این زمینه کردند. پوتین خب مسلما مقاومت کرد و کوشید که هیلاری کلinton که اگر میومد صد درصد وضع روسیه خیلی بدتر میشد به قدرت نرسد و از آنجایی که مرد خبره ایست توانست با قدرت بسیار کمتری که نسبت به امریکا دارد توانست فضای فکری غرب را طوری هدایت بکند و یک جنگ روانی خیلی خوبی توانست راه بندازد علیه هیلاری کلinton و با پول هایی نیز که این صهیونیست های دست راستی خرج کردند توانستند هیلاری کلinton را بیاندازند. یکی از کارهایی که میبایست در این زمینه در این راستا اتفاق می افتاد چون پشت سر ترامپ آدم هایی مانند شلدون آدام هایی چون نتانیاهو و همین مردک بولتون و کاملا جنگجویهای صهیونیسم بودن یعنی بخش کاملا وحشی و کابویی اینها. اینها هدفشان متلاشی کردن جغرافیایی ایران هستش یعنی همون برنامه ای که در زمان حمله به عراق داشتند اما به علل مختلفی موفق نشدند ادامه اون بود در اینجا آدمی مثل فلین جنرال فلین رو آورده بودند که اصولا این کار را انجام بدهد و همه چی نیز همه چیز نیز آماده بود. پوتین در اینجا صددرصد این چیز است که نیروهای امنیتی ما باید درک بکنند صددرصد ترجیح میدهد چون یک آدم رئالیست هستش که اگر قرار بر این باشد که دو کشور میان دو که میان چین و روسیه یک کدوم فدا بشوند و تحت محاصره شدید قرار بگیرند خب مسلما این باید چین باشد از منظر روس ها. این به این معنی نیست که پوتین تمام تخم مرغ های خود را در سبد ترامپ یا در سبد این جناح بریزد خیر سعی می کند با چین نیز رابطه خوبی داشته باشد بتواند حفظ بکند چین را برای خود سعی می کند با ایران تا حدودی کنار بیاید با اینی که در ایران به هیچ کی نمی شود اعتماد کرد. چون ما وقتی خودمون رو بگذاریم جای پوتین و آدمی مانند رفسنجانی چون ظریف یا چون روحانی یک همچین فراماسون هایی در نظر بگیریم اینا هر لحظه حاضرند تمامی اون کلیدی که روحانی آورد کلید ایران بود که بدهد به دست غرب اینا حاضرند پشت پوتین رو پشت روسیه را خالی بکنند و کاملا بیایند در کمپ غرب قرار بگیرند مسلما موسکو

اعتمادی به تهران ندارد و هیچ کس به تهران اعتماد ندارد چون آدم های عجیب غریبی امروز بر ایرانزمین حکومت میکنند و نیروهای مسلح نیز هنوز نتوانستند خود رو طوری فرم بدهند که سیاست کلی ایران را تعیین بکنند و ما امیدواریم که در ماه های آینده اینها به این سمت حرکت بکنند و قدرت بیشتری پیدا بکنند. آمدن بلتون یک فرصت خوبی هستش برای همان چیزی که ما کودتای آریایی مینامیم. حمله ای که قرار هستش یعنی قرار بود به ایران انجام بشود از هر منظر که نگاه بکنیم فقط بازنده دارد غیر از یک برنده و اون برنده روسیه است مسلما در حمله امریکا به ایران که عربستان سعودی پشتش هست ترکیه پشتش هست اسرائیل پشتش هست و این صهیونیست های دست راستی گلوبالیست های دست راستی در این حمله امریکا وارد یک جنگی میشود که پایانش به این سادگی ها نخواهد بود و نیروهای امریکایی دچار زیان ها و خسارت های بسیار زیادی خواهند شد ایران لقمه کوچکی نیست. نیروهای رزمنده قوی دارد خیلی سریع سپاه و ارتش تنگه هرمز را خواهند بست و مسلما روسها نیز کمک خواهند کرد که تلفات امریکایی بیشتر بشود با فرستادن اسلحه های استراتژیکی که به ایران خواهند داد بیشتر از این خواهند داد و به اصطلاح امریکا وارد یک فاز تخریبی بیشتری خواهد شد. از سوی دیگر این داستان به ضرر چین خواهد بود بسیار به ضرر چین خواهد بود. بهای نفت بهای گاز شدید می رود بالا ایران دچار زیانهای بزرگی خواهد شد و مسلما تنها پیروز بزرگی که این وسط وجود خواهد داشت روسیه هست. در حدود ۴۸ ساعت تمامی این کشورهای حاشیه خلیج فارس می توانند یعنی ایران صددرصد به اونا حمله خواهد کرد و باید بکنند اینها با خاک می توانند یکسان بشوند بنابراین تنها کشوری که می ماند که بتواند به طور راحت تولید انرژی بکند این روسیه خواهد بود. اروپا را زیر فشار خواهد گذاشت یکی از آرزوهای پوتین متلاشی کردن اتحادیه اروپاست و ترامپ نیز در همین زمینه عمل می کند. متلاشی کردن اتحادیه اروپا هستش که یک قدرت همبسته در اروپا شکل نگیرد چون قدرت همبسته در اروپا شکل بگیرد علیه روسیه خواهد بود مانند همان گلوبالیست های چپ. اینها همه عناصری هستند که از منظر مسکو درگیری نظامی میان ایران و آمریکا را امری مقرون به صرفه می کنند چون همونگونه که گفتیم چین دچار زیان خواهد شد. ایران ویران می شود و مسلما نفوذ روسیه از امروز نیز بیشتر خواهد شد. نفت و گاز ایران دچار خسرات های زیاد خواهد شد. نفت و گاز روسیه تبدیل می شود به قطب روسیه میشود قطب انرژی جهان و امریکا نیز دچار زیان های زیادی خواهد شد کشته های بسیاری خواهد داد و وضع آمریکا اصلا معلوم نیست چه خواهد شد. بنابراین اینها را شما در کنار هم قرار بدهید یک جنگ کنترل شده که روسیه مستقیم درش حضور نداشته باشد اما ایران را تغذیه بکند که فشار بیشتری به امریکا بیاید کاملاً در راستای منافع روسیه هستش بنابراین این آرایش جدیدی که یعنی در حقیقت بازگشت الان آمدن بولتون یک بازگشت فلین هستش در قد و قواره دیگر. پوتین دو سه هفته پیش اعلام کرد که حمله به همپیمانان ما حمله به ما تلقی خواهد شد بنابراین یک خطکشی کرده بود برای جلوگیری از حمله اسرائیل به ایران چون مردمک نتانیاهو در همایش امنیتی مونیخ رسماً ایران را تهدید کرد که ما ایران را میزنیم. پوتین در آنجا یک خط قرمزی گذاشت و گفت اجازه ندارید همچنین کاری بکنید چون مسئله اسرائیل با مسئله آمریکا فرق می کند و آنجا اونا می رفتند پای سوریه، سوریه را هم بخواهند ویران بکنند و از دست پوتین در بیاورند. امروز اما با آمدن بلتون شرایط دگرگونه شده است. بنابراین اون طرح اولیه که تو سر پوتین بود و کمک کرد که ترامپ بیاید آن طرح الان دوباره زنده شده است و این هوشیاری باید در میان نیروهای ایرانی وجود داشته باشد و جلوی این مسئله باید به هر ترتیبی گرفته شود. چگونه می شود جلوی این داستان را گرفت با نشان دادن قدرت یعنی ایران الان باید جمع بکند این مسئله تسلیمی که دولت روحانی در حقیقت و خامنه ای مسلماً با تحمیل برجام های گوناگون دارند ایران را وارد یک مخمسه بزرگ امنیتی میکنند جلوی این داستان باید گرفته شود در پشت پرده، در

پشت پرده باید جلوی این داستان گرفته شود و هنوز حدود دو ماه وقت هستش تا خروج به احتمال زیاد ترامپ از این معامله و سپاه و ارتش باید خامنه ای و روحانی را بندازند جلو. این آشپست که اینها پختند خود باید بروند همش بزنند یعنی الان سپاه خیلی دقیق باید عمل بکند باید آماده کامل باشد شناسایی بکند که در کوچکترین حمله یعنی احساس حمله به اینان کاملاً اینها را بزنند و لت و پار بکنند هم از درون هم از بیرون یعنی باید افرادی که باید گرفته بشوند این مجلس باید لغو بشود این مجلس مجلس فتنه هسته ایست تمامی این مجلس را در عرض ۲۴ ساعت باید لغوش کرد. همه را فرستاد خانه و تو هلو فتونی در عرض ۲۰ دقیقه اینها لایحه فتنه هسته ای برجام را تصویب کردند. از سوی دیگر فراکسیون هایی درست کردن فراکسیون های قومی برای تجزیه ایران یعنی این فراماسون ها همه چی را آماده کردند که با حمله آمریکا اینها بتوانند از درون نیز جنگ های نژادی و دینی و این چیزها را راه بندازند. این مسئله ایست خطرناک و باید جلوش گرفته شود. یعنی باید شناسایی این عوامل و پلان داشتن برای فردای این رویارویی بسیار بسیار مهم هست اما در حال حاضر توپ در زمین خامنه ایست توپ در زمین روحانی است اینها این فتنه برجام را انجام دادند خودشان بروند جمعش بکنند. گفته اند که با این برجام تمام کلیدها تمام قفلها باز می شود بروند باز بکنند. مسلم است هم اکنون دارند زوم می کنند اروپایی ها نیز آمدند به کمکشان که همه اش تقصیر سپاه هستش اگر سپاه برنامه موشکی نداشته باشد ترامپ در برجام می ماند و از این مزخرفات. خیلی راحت برنامه موشکی ایران به هیچکی ربط ندارد مورد گفتگو قرار نمی گیرد همون چیزی که هست می خوان بخوان نمی خوان نخوان. یعنی فشاری که الان خامنه ای دارد می آورد روی سپاه فشاری که روحانی دارد می آورد روی سپاه و تمام نهادها دارند می آورند و این رسانه های بهایی و نمی دونم جهودی در خارج از کشور چون بی بی سی و منو تو دارند می آورند این ها برای جنگ روانیست این مردک را نیز که آوردند جان بولتون این هم جنگ روانیست. این را باید در نظر گرفت هر چقدر نیز که پوتین بخواد که این جنگ اتفاق بیافتد و روس ها انگولک بکنند که بخواد این جنگ اتفاق بیافتد در درون آمریکا نیز یک سری هستند که می دانند وارد شدن آمریکا به جنگ با ایران فقط به نفع روسیه است. اون ور هم آدم هایی هستند که این داستان را نمی خواهند ژنرال متیس یکی از این ها هستش البته می توانند متیس را نیز بردارند یک کس دیگری بگذارند اما باز نیز با این حال سپاه محکم و ایستد و پیام های مخفی بفرستد برای امریکایی ها یعنی از کانال هایی که سپاه دارد باید برای امریکایی ها و باید برای عرب ها و باید برای اسرائیلی ها پیام فرستاده شود که هر گونه حمله به ایران به معنی آتش زدن کل این منطقه هست و هیچ کس جان سالم بدر نخواهد برد. برای امارات باید فرستاده شود برای عربستان سعودی باید فرستاده شود. یکی دو هفته قبل از بیست و دوی مای نیز رئیس سپاه یکی از ژنرال ها ژنرال حاتمی یا هر کدوم از این سران بزرگ نیروهای خشره ای میتوانند اعلام بکنند که اگر خروج از برجام بخواد بهانه ای باشد برای جنگ با ایران بدانند که جنگ با ایران به معنای نابودی کل منطقه هستش و دامنه اش دامنه جهانی خواهد بود. یعنی این رو نیروهای ارتش ایران با خیال راحت باید اعلام بکنند و خود را نیز آماده بکنند و این را بدانند به احتمال ۹۹ درصد طرف مقابل جرئت حمله به ایران را نخواهد داشت. بخش بزرگی از این داستان جنگ روانی است برای باز گذاشتن چانه زنی باز گذاشتن دست روحانی و خامنه ای برای چانه زنی هستش اینها این فضای رعب و وحشت و فضای حمله را میخوانند به وجود بیارند که از این فضا استفاده بکنند برای باز کردن قفل درهای شهرهای موشکی ما برای زیر فشار گذاشتن سپاهی ها و ترساندن نیروهای امنیتی. اصلاً نباید وقعی نهاد. اینها بازیست معرکه گیری جهودیست و کار فراماسون هاست. مقاومت کردن توپ را انداختن در زمین خود روحانی و خود خامنه ای بروند با امریکایی ها صحبت بکنند اگر اروپایی ها میخوانند باز هم یک مسئله مسخره ای رو ایجاد کردند که اروپا باید ایران را تحریم بکند با تحریم های جدید

جلوگیری بکند از خروج ترامپ از برجام. خب این یک چیزی بسیار بسیار مسخره است که این برجام را اینا کردند که تحریم ها برداشته شود الان باید تحریم بکنند که تحریم ها بر نگردد یعنی کلا یک چیزی بسیار بسیار مضحکی است. این را نیز سپاه نباید به خود بگیرد باید این را دولت روحانی دولت ظریف که در حقیقت ذلیل ترین نوع سیاست را این ها دارند اعمال میکنند این ها بروند و خودشان حل بکنند. پس دعوایی که در حال حاضر وجود دارد این دعوا در درجه اول دعوای سپاه نیست سپاهی ها از این مسائل میتوانند استفاده بکنند برای پیش برد همان امر مقدس کودتای آریایی برای بازگشت به مدار تیسپون خود را آماده بکنند برای دادن آزادی های مدنی و فرهنگی به زنان ایران. امریست بسیار بسیار مهم و در یک شرایط مشخصی مسلما قدرت رو به طور کامل در اختیار خود گرفتن بسیار مهم است. یک امر مهم دیگری که باید بدان اشاره بکنیم نقشیت که خامنه ای برای ظریف در نظر گرفته است که با استفاده از این مرد پوپولیست لیبرال بتواند در حقیقت یک گام دیگر سپاه را از میدان قدرت خارج بکند. کاری که باید انجام داده شود یعنی تعریف و تمجید هایی که مدام از سوی خامنه ای انجام میگردد بی دلیل نیست یکی از حربه هایی که اینها دارند و ما در یکی از برنامه های این را اشاره کردیم این هستش که یک کسی را از درون سپاه یا از درون ارتش از آدم های خودشان که صد درصد دارند این را بر بگزینند به عنوان نماینده سپاه و در یک رویارویی تبلیغاتی در پایان این دوره روحانی مردی چون ظریف را در کنار او قرار دهند که یک رقابت به اصطلاح میان بخش مدنی و بخش اصلاح طلب و بخش اصولگرای ارتشی اتفاق بیفتد. این جنگ زرگری را انجام بدند سپاه و ارتش و نیروهای آریای مخفی باید نسبت به این مسئله آگاه باشند. ظریف اصولا نباید بتواند وارد یک رقابت بشود. ظریف آدم پوپولیستی هستش یک فراماسون هستش. تمامی دستگاه تبلیغاتی غرب در پشت او قرار میگیرد. بنابراین پرونده ظریف باید طوری تنظیم بشود که اصولا اجازه ورود به یک همچین رقابتی را نداشته باشد. این مسئله ایست بسیار بسیار مهم. در حقیقت این کارت این آس خامنه ای را باید از او گرفت که نتواند از برگ ظریف استفاده بکند برای در حقیقت از میدان بدر کردن سپاه پاسداران یا ارتش از قدرت این بسیار بسیار مهم است. بنابراین ظریف باید حذف بشود پرونده اش طوری تنظیم بشود که اجازه ورود به یک همچین رقابتی را نداشته باشد. این را نیز ما در مانیفست مطرح کرده ایم. در اینجا بار دیگر میتوانیم به طور گذرا پردازیم. ببینید کلا مسئله حزب سیاسی در یک ایران آریایی و در شرایط دوران گذار نیز باید متنفی باشد. تحذب و جذبگرایی بازی جهودیست بازی ابراهیمیست و کلا بازی آریایی نیست. آریاییان سیاست مداران حرفه ای ندارند سیاست مدار حرفه ای انگل است. سیاست مدار حرفه ای همیشه بنده سرمایه است و بنده این اتاقهای پنهان جهودها و بهایی ها و این صهیونیست ها هستش. در سراسر دوران همین گونه بود است. بنابراین این ها انگل هایی هستند که می آیند و در مفصل های یک کشور قرار می گیرند و تمامی این اندام را به کنترل خود در می آورند. این ها بیکاره اند. انسان هایی هستند که حقوق می گیرند برای خدمت کردن به طایفه خودشان. بنابراین در درون حذب سیاسی نه، و تا امروز نیز دیده ایم که این گونه بود است، نه تفکر سیاسی شکل می گیرد و نه اراده عمومی در آنجا تبلور پیدا می کند. هم از این رو در یک نظام آریایی بعد از این که یک حکومت سپاهی نظامی تاسیس شد حذب سیاسی به عنوان نهادی که می خواهد برنامه سیاسی برای قدرت داشته باشد باید قدغن باشد. بروند یک سری دوست دارند لیبرال باشند بروند یک انجمنی بزنند درباره لیبرالیسم هر چقدر دلشان می کشد صحبت بکنند. اما تاسیس حذب سیاسی برای ورود به قدرت و برای پلان اجتماعی دادن برنامه اجتماعی دادن این مسئله یک بار برای همیشه در ایران باید قدغن بشود. ما جامعه ما نیاز به حذب سیاسی برای اداره جامعه برای متبلور کردن اراده عمومی ندارد. این بازی ها بازی های صهیونیستی هستش بازی های فاسد دموکرات ها و لیبرال ها هستش و هیچ دردی از مردم ما دوا نمی کند برعکس جامعه را از هم

گسیخته می کند جامعه را دشمن یک دیگر می کند و این ها محفل هایی می شوند برای نفوذ خارجی برای نفوذ بیگانگان و تا امروز نیز از بدو تاسیس احزاب در ایران تا به امروز چه در داخل کشور و چه در خارج کشور حزب های سیاسی همواره جایی بودند برای متلاشی کردن مفهوم ایران برای متلاشی کردن همبستگی میهنی و تمدنی که میان ایرانیان وجود داشته باشد. بنابراین یک حکومت مبتنی بر اراده مشترک سپاه و مردم برای قوام بخشیدن به خود و برای سازمان دادن به خود و اراده خود نیازی به حزب سیاسی ندارد. آن چیزی که در درون رایگاه ما نامش را میگذاریم رایگاه حالا اینا میگویند مجلس آن چیزی که در درون رایگاه باید حضور داشته باشد و بخشی باشد از اراده عمومی نمایندگان انجمن ها و نهادهای پیشه بنیاد هست. جامعه اون بخشی از حیات اجتماعی هستش که کار بکند که تولید بکند حالا به هر نوعی میخواد کشاورز باشد میخواد صنعتگر باشد میخواد کارگر باشد هر چیزی نهادهایی که برآمده از انجمن های کاری و پیشه ای هستند این ها میتوانند نمایندگان خود را به درون رایگاه بفرستند و این رایگاه میتواند بخشی از به اصطلاح قوه مقننه باشد صرفاً بخشی. یک رایگاه دیگه که ما در نظر گرفتیم و این را در این نخستین گام های تاسیس حکومت سپاهی مردمی میشود آن را متحقق کرد یک رایگاه دوم هست که در این رایگاه دوم کسانی باید حضور داشته باشند که خود را در یک شرایط فرضی قرار بدهند که در این شرایط فرضی این ها نمایندگان طبیعت هستند ما میگوییم چهار نمایندگان چهار هستند چون آن چیزی که در نظام آریایی مهم هست فرای نیکی همگانی و خیر عمومی مردمان یعنی دوا انسان ها خیر عمومی طبیعت نیز هست و در نظام های فاسد دموکراتیک یک همچین چیزی اصولاً وجود ندارد. بنابراین ما احتیاج به یک مجلس به یک رایگاهی داریم که در آنجا کسانی حضور پیدا بکنند که هم و غم شان معرفی کردن منافع جانوران گیاهان و طبیعت هست. وقتی این را ما بتوانیم تاسیس بکنیم این در حقیقت وزنه ای هستش در برابر انسانگرایی و هومنیسم صرفی که جامعه متجدد فاسد بدان دچار شده است و همه چیز را از دریچه دید انسان و به عنوان منافع انسان نگاه میکند. این بسیار مهم است این فرای این که یک صلحی به وجود می آورد میان انسان و طبیعت در درون ایرانزمین همزمان، ما نام این نظام را می گذاریم اگاتوکراسی یا نیک خدایی یا نیک فرمانی، این نظام اگاتوکراتیک به سپاهیان ما این امکان را می دهد که در یک جنگ تبلیغاتی با دموکراسی خارج از کشور و با این نظام فاسد غرب برگ برنده ای داشته باشد دارای یک دونه ارتفاع مفهومی یک ارتفاع فکری بشود که بتواند در یک جنگ تبلیغاتی در یک دیسکورس جدل تبلیغاتی با این جهان غرب دست بالا را داشته باشد بتواند از بالا به پایین سخن بگوید و نظام سیاسی ایران شهری را نظام برتر و کاملتری معرفی بکند که بیشک نیز اگر این کارها را ما بتوانیم درست انجام بدهیم بیشک نیز همینگونه هست در یک شرایط کامل که قدرت به طور کامل در دست نیروهای آریایی قرار بگیرد مسلماً ما یک مجلس یا یک رایگاه سومی را نیز تدارک دیده ایم و در اون رایگاه کسانی حضور پیدا می کنند نمایندگانی حضور پیدا می کنند که شرایطش در مانفیست گفته شده است که آنها نسل های آینده را نمایندگی می کنند و تمامی این سه تا رایگاه تمامی این سه مجلس نسبت به یک دیگر حق و تو دارند. این در حقیقت فرم کامل نظام آگاتوکراتیک هستش یا نیک خدایی هست یا نیک فرمانی هست که استخراج شده از فلسفه سیاسی ایران شهری هست. بنابراین ما در یک رایگاه مجلسی را داریم که فراهم آمده از نمایندگان پیشه ها از نمایندگان مردمانی که دارند کار می کنند در یک رایگاه نمایندگانی را داریم که طبیعت را نمایندگی می کنند و در یک رایگاه نمایندگانی که نسل های آینده را که هنوز به دنیا نیامدند و جهان را از دریچه دید آنها می نگرند. اینها همدیگر را می توانند تنظیم بکنند و کفه ترازو به اینور یا آنور متمایل نشود و مسلماً خب خود پادشاه هستش یا اون نهاد رهبری جامعه هستش که او نیز قدرت بسیار زیادی دارد و رئیس ارتش هستش رئیس نیروهای نظامی هست اون به جای خود. اما تا رسیدن به آن شرایط ایده آل بعد از تعطیل

کردن این مجلس فاسد انقلابی یک مجلسی که فراهم آمده باشد از این نهادهای مردم بنیاد و یک مجلسی که طبیعت بسیار در خطر گرفته شده ایران را بتواند نمایندگی بکند مهم است. این یک فضایی رو نیز باز می کند برای کل ایرانیان که یک مقدار قوت قلب بگیرند و دائم در حال کپی کردن از نهادهای فاسد غربی نباشند اعتماد به نفس تمدنی پیدا بکنند. سپاه پاسداران و ارتش دست بالا را خواهند گرفت زنان ایرانی را آزاد می کنند. بنابراین این ها پوان هایی هستش که یعنی خصیصه هایی هستش که به سپاه و به ارتش این امکان را می دهد که هم در درون صلح اجتماعی را حفظ بکنند و هم در بیرون دست بالا را داشته باشند و مسلما در یک رویارویی تبلیغاتی غرب توان این را نخواهد داشت که یک همچنین سیستم زیبایی را بتواند زیر بمباران تبلیغاتی خود ببرد. این خلاصه ای هستش از اقداماتی که در یک بزنگاه تاریخی نیروهای اندیشمند داخل سپاه و ارتش باید این را آماده کرده باشند این برنامه را آماده کرده باشند که بتوانند بر روی میز بزنند و در این شطرنج چند بعدی که یک سرش پوتین هست یک سرش شی جین پینگ هست یک سرش این فراماسون های داخل کشور هستند اسرائیلی ها هستند عرب ها هستند ایران بتواند بازی خود را پیش ببرد این بسیار بسیار مهم است شما برای رویارویی با این روح خبیثی که جهان امروز را دارد به ته دره می برد احتیاج به بنیه فکری دارید فقط با زور بازو نمی شود باید بتوان در جامعه امروز افکار عمومی را تا جای شدنی قانع کرد و برای قانع کردن افکار عمومی شما احتیاج به طرحی دارید که این طرح تازه باشد و در عین حال دارای قوام و دارای ژرفنا باشد طرح بازبایی ایرانشهری برای اداره اجتماعی ایرانزمین نه تنها برای ایرانزمین بلکه برای کل جهان هستش و این امکان را به نیروهای متفکر آریایی میدهد که پشتیبانی معنوی بکنند از مردان نظامی و آنها را دست خالی به میدان نفرستند. چون ما وقتی بیاییم روحانیت را بزنیم و روشنفکری را بزنیم اگر دستگاه فکری نداشته باشیم خب این نمیشود. یعنی شما نمیتوانید به طور دراز مدت جامعه را فقط با نظامیگری پیش ببرید و اداره بکنید به ویژه جامعه بسیار پیچیده ای مانند جامعه ایران بنابراین احتیاج به طرح فکری دارید برای رویارویی با مافیای روشنفکری باید فکر بهتر و فکر دقیق تری را بتوانید ارائه بدهید و این کاریست که ما داریم انجام میدهم. سالها خود را محصور کرده ایم برای تفکر کردن برای یک همچنین روزهایی این دستاورد بازبایی ایرانشهری هستش بخشی از دستاورد ما هستش برای پر کردن انبان نیروهای سپاهی و ارتشی مان. خلاصه میکنیم و جمع بندی میکنیم آمدن دیوی مانند بولتون بخش بزرگش جنگ روانی هستش اما در این حال هر گونه دیوانگی را از سوی غرب باید محتمل دانست چون اگر غرب یک چیز را ثابت کرده باشد اینست که در دیوانگیش هیچ شک و تردیدی نمیتواند داشت. اما با این حال داستان داستانی هستش بسیار پیچیده. روحانی خامنه ای را باید فرستاد جلو که این موضوع را حل بکنند. سپاه و ارتش باید کاملاً آماده باشند طرح ها را در کشو داشته باشند تا در روز مبادا اگر نیاز شد از آنها استفاده بکنند به امید اینی که دوستان آریایی ما یاران آریایی ما در سپاه و ارتش دقت بسنده را به کار ببرند. هول نشوند نترسند زیر فشار خامنه ای و روحانی کمرخم نکنند موشک ها را بسازند بمب اتمشان را اگر میتوانند تا اونجا که میتوانند آماده بکنند بسازند ما نیاز به بمب اتم داریم الان یک بخش پایانی را در اینجا اضافه بکنید ببینید برای مثال کره شمالی بعد از این نمایش قدرت که انجام داد ترامپ را مجبور کرده که بیاید و بشیند و با کیم جونگ اون صحبت بکند. بنابراین قدرت هستش در جهان این قدرت هستش که طرف مقابل را وادار می کند که با شما صحبت بکند شکی نداشته باشید اگر اون نمایش موشکی را نکرده بود و اگر اون تهدیدها را نکرده بود که امریکا را خاکستر می کند ترامپ هرگز حاضر نمی شد بلند شود برود به آنجا با او صحبت بکند الان هم نیز برود اگر دلیلی نیز بکند دلیل این خواهد بود که به اصطلاح آزمایش های موشکی بیشتری انجام نده و بمب بیشتری ساخته نده و اون دیگه نیازی ندارد اون امریکا را ترسونده است و بسنده هستش و ترامپ این را به عنوان

پیروزی برای خود تلقی بکند و یک سری از به اصطلاح تحریم ها را نیز بردارد یه بازی برد برد خواهد شد. ولی این بازی برد برد در حقیقت شکست غرب هستش چون این ها میخواستند که کره را از سر راه بردارند و کلا مختل بکنند نظام موشکی و اتمی او را. این داستان تمام شده است اون هرگز اجازه نخواهد داد که همچین مسئله ای اتفاق بیفتاد ایران نیز باید بمب اتمی خود را بسازد سر فرصت هول نباید بود شتاب نباید داشت اما این برنامه را باید دائم دنبال کرد. دوران حیات مافیای روشنفکری و مافیای روحانیت به سر رسیده است. این ها قلکشان شکسته است و هر روز که پیش می رویم این نیروهای آریایی هستند که بشاشیت بیشتری پیدا می کنند شخصیت های بیشتری نمایان خواهند شد و آینده آینه ایست بسیار بسیار روشن با امید آینده ای بهتر هرچه بهتر از امروز و به امید پیروزی یاران ما در درون سپاه و ارتش تا بار دیگر خدا نگهدار